

# چگونه ادبیات جهان را بخوانیم

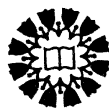
دیوید دمراش

ترجمه

مجتبی ابراهیمیان

تهران

۱۳۹۸



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)  
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

## فهرست مطالب

۱	پیشگفتار مترجم
۲	مقدمه
۹	فصل اول: «ادبیات» چیست؟
۳۲	فصل دوم: خواندن در گذر زمان
۶۰	فصل سوم: خواندن فراسوی فرهنگ‌ها
۸۵	فصل چهارم: خواندن ترجمه
۱۱۱	فصل پنجم: سفر به خارج
۱۳۵	فصل ششم: جهانی شدن
۱۶۳	واپسین سخن: پیش‌تر رفتن
۱۷۰	کتابنامه

## پیشگفتار مترجم

این کتاب کم حجم مقدمه‌ای است بر شیوه‌های خواندن ادبیات جهان، و می‌تواند برای دوره‌های ادبیات تطبیقی و ترجمه‌شناسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مورد استفاده قرار بگیرد. نویسنده اثر، دکتر دیوید دمراش،<sup>۱</sup> استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه هاروارد است و آثار دیگری همچون *ادبیات جهان چیست؟*<sup>۲</sup> و *کتاب دفن شده: گم شدن و دوباره پیدا شدن حماسه بزرگ گیل‌گمش*<sup>۳</sup> را به رشته تحریر در آورده است. وی همچنین ویراستار مجموعه *ادبیات جهان لانگمن*<sup>۴</sup> در شش جلد و منبع پرینستون در ادبیات تطبیقی<sup>۵</sup> است. دیوید دمراش، در کنار متفکرین دیگری مانند امیلی اپتر،<sup>۶</sup> فرانکو مورتی،<sup>۷</sup> پاسکال کازانووا،<sup>۸</sup> سوزان بسنت،<sup>۹</sup> و لارنس ونوتی<sup>۱۰</sup> از برجسته‌ترین نظریه پردازان رشته ادبیات تطبیقی است. مترجم امیدوار است که ترجمه این کتاب موجب تشویق سایر مترجمان توانمند کشورمان برای ترجمه آثار این متفکران و سایر متفکران برجسته ادبیات تطبیقی و نظریه ادبی معاصر گردد.

- 
1. David Damrosch (b. 1953)
  2. *What is World Literature?* (2003)
  3. *The Buried Book: The Loss and Rediscovery of the Great Epic of Gilgamesh* (2007)
  4. *Longman Anthology of World Literature* (2004)
  5. *Princeton Sourcebook book in Comparative Literature* (2009)
  6. Emily Apter (b. 1954)
  7. Franco Moretti (b. 1950)
  8. Pascale Casanova (b. 1959)
  9. Susan Bassnett (b. 1945)
  10. Lawrence Venuti (b. 1953)

## مقدمه

ادبیات جهان که بیش از پنج هزار سال پیشینه دارد و امروزه تقریباً در تمامی نقاط مسکونی جهان گسترده است، برای خوانندگان تنوعی بی‌همتا از لذت‌های ادبی و تجربه‌های فرهنگی فراهم می‌آورد؛ با این حال، به دلیل این که ما نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که تمامی این آثار را از دریچهٔ مخزن دانشی فرهنگی که خوانندگان با نویسندگان درون یک سنت واحد مشترک هستند، بررسی کنیم، چنین تنوعی چالش‌های خاصی را هم پیش روی مخاطب می‌گذارد. خوانندهٔ آثار بالزاک<sup>۱</sup> حتی بدون سفر به پاریس هم اطلاعات زیادی در مورد این شهر به دست می‌آورد؛ در نتیجه می‌تواند صحنه‌های موجود در آثار بودلر<sup>۲</sup> و پروست<sup>۳</sup> را بهتر تجسم کند؛ به همین صورت، داشتن آگاهی مناسب دربارهٔ قرآن پیش‌زمینه‌ای ضروری برای درک کامل شعر عربی است. ممکن است سال‌ها طول بکشد تا خواننده، آشنایی نزدیکی حتی با یک فرهنگ کسب کند؛ پس ما چگونه باید با انبوه فرهنگ‌های ادبی جهان مواجه شویم؟ معمولاً سنت‌های ادبی، با وجود بافت کلی، به نوبهٔ خود بسیار منحصر به فرهنگی خاص هستند: نمایش‌نامه‌های برنارد شاو<sup>۴</sup> و تام استاپرد<sup>۵</sup>، دائماً شکسپیر<sup>۶</sup> را تداعی می‌کنند؛ در حالی که *افسانهٔ گنجی*<sup>۷</sup> قرون وسطایی ژاپن، مملو از اشارات به اشعار چینی و ژاپنی پیشین است و رمان نویسان مدرن ژاپنی، به نوبهٔ خود، پیوسته به *افسانهٔ گنجی* اشاره می‌کنند. همچنین، فرهنگ‌ها، در کنار اشارات ادبی متفاوت، تصورات منحصر به فردی را در مورد راه‌هایی که ادبیات باید خلق و فهمیده شود، پرورش می‌دهند. اگر ما متنی خارجی را بدون در نظر گرفتن تصورات و ارزش‌های نویسنده‌اش بخوانیم، این خطر وجود دارد که متن را به نسخه‌ای رنگ و

- 
1. Honoré de Balzac (1799-1850)
  2. Charles Baudelaire (1821-1867)
  3. Marcel Proust (1871-1922)
  4. George Bernard Shaw (1856-1950)
  5. Tom Stoppard (b. 1937)
  6. William Shakespeare (1564-1616)
  7. *Tale of Genji*

رو باخته از فرمی ادبی که از قبل با آن آشنایی داریم، تقلیل بدهیم؛ چنان که گویی هومر<sup>۱</sup> واقعاً می‌خواسته است رمان بنویسد، ولی نمی‌توانسته کاملاً شخصیت‌پردازی کند؛ یا گویی هایکوه‌های ژاپنی در واقع غزلیاتی هستند که پس از هفده سیلاب از تک و تا می‌افتند.

با وجود این مباحث، تکلیف خواننده غیر حرفه‌ای چیست؟ اگر نمی‌خواهیم خوانش خود را به مرزهای باریک یک یا دو ادبیات جهان محدود کنیم، باید شیوه‌ای را فراگیریم که از راه آن از آثار در بستر مکان‌ها و زمان‌های دور بیشترین استفاده را ببریم. هدف از ارائه بحث‌ها این است که این نیاز بر طرف شود و به این منظور، مجموعه‌ای از شیوه‌های وارد شدن به جهان‌های گوناگون ادبیات جهان عرضه می‌شود. فصل‌های کتاب، مسائلی کلیدی را که ما در برخورد با مطالب خارجی با آن‌ها مواجه می‌شویم، برجسته می‌کنند؛ به این شیوه ارتباط‌هایی را میان آثار برجسته جهانی نمایان می‌کنند که می‌توانند برای دوره‌های کارشناسی و مقاطع بالاتر نمونه‌های سودمندی از روش‌های بررسی ادبیات جهان باشند.

چالش‌هایی که ما در پرداختن به ادبیات پرشمار جهان با آن‌ها مواجه می‌شویم، بسیار واقعی هستند؛ اما من این کتاب را با این عقیده نوشته‌ام که هر اثری از ادبیات جهان در فرارفتن از مرزهای فرهنگی که آن را تولید می‌کند، توانایی استثنایی دارد. بی‌شک، برخی آثار آن قدر محدود به یک فرهنگ خاص هستند که تنها می‌توانند برای مخاطب درون آن فرهنگ یا متخصصان آن رشته معنادار باشند و در نتیجه آن متون در قلمرو فرهنگ ملی یا منطقه‌ای اصلی خود باقی می‌مانند. با وجود این، بسیاری از آثار در زمان‌ها و مکان‌های دور خواننده پیدا می‌کنند و خیلی سریع با ما به طرز گیرایی سخن می‌گویند. هیچ فرهنگ ادبی از دربار پادشاه شولگی از اور<sup>۲</sup> که اولین حامی شناخته‌شده ادبیات بود و چهارهزار سال پیش در بخش جنوبی بین‌النهرین فرمان‌روایی می‌کرد، دورتر نیست. زبان او (سومری) با هیچ زبان شناخته‌شده دیگری خویشاوندی ندارد. حتی هزار سال پیش از هومر این زبان دیگر استفاده نمی‌شد و خط میخی این زبان به مدت دوهزار سال، یعنی تا اواخر قرن نوزدهم، خواندنی نبود؛ اما اکنون که محققان عصر جدید با تلاش بسیار این زبان باستانی را رمزگشایی کرده‌اند، برای واکنش نشان‌دادن به جذابیت لالایی‌ای که برای یکی از پسران «شولگی» نوشته شده است به هیچ گونه دانش خاصی نیاز نداریم:

1. Homer  
2. King Shulgi of Ur

خواب بیا، خواب بیا،  
 خواب، برای پسرم بیا،  
 خواب برای پسرم بشتاب!  
 چشمان بازش را به خواب ببر،  
 دستانت را بر چشمان درخشانش قرار بده -  
 در مورد زبان زمزمه گرش،  
 نگذار که این زمزمه‌ها خوابش را پریشان کنند.

(Šulgi N, Lines 12-18)

یک اثر عالی ادبیات غالباً می‌تواند به فراسوی زمان و مکان خود سفر کند؛ اما در مقابل، همچنین می‌تواند شیوه‌ی دسترسی ویژه‌ای به درون برخی از عمیق‌ترین ویژگی‌های فرهنگ اصلی خود را در اختیار خواننده قرار بدهد. آثار هنری، فرهنگ‌های خود را بیشتر منکسر می‌کنند تا اینکه فقط آن‌ها را بازتاب دهند و حتی «واقع‌گرا»ترین نقاشی یا داستان هم یک بازنمایی گزینشی و سبک‌دار شده است. با این حال، انبوهی از اطلاعات از طریق آینه‌های برجسته و شهر فرنگ ادبیات منتقل می‌شوند. بنابراین، اگر در مورد چیزهایی که به آن اشاره می‌کند و فرضیات نویسنده و مخاطبان اثر بیشتر بدانیم، درک ما از اثر به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد.

این اصل هم‌اکنون در مورد موسیقی، هنرهای تجسمی، و همچنین آفریده‌های زبانی که در زبان‌های متفاوت معانی متفاوتی دارند، پذیرفته شده است: مردم ژاپن و انگلستان رنگ‌های متفاوتی نمی‌بینند، اما نام‌های متفاوتی برای رنگ‌ها دارند که برخی از آن‌ها حتی طیف رنگ‌ها را متفاوت تقسیم‌بندی می‌کند. ما می‌توانیم در مورد یک فرهنگ مطالب بسیاری از طریق هنر و معماری‌اش بیاموزیم، اما هنگامی که مدرک‌های نوشتاری هم در اختیار داشته باشیم، بی‌اندازه بیشتر در مورد آن فرهنگ می‌آموزیم. اگر شعرهایی را که پادشاه شولگی سفارش داده بیشتر بخوانیم، به زودی خود را در محاصره‌ی معبدی مملو از خدایان ناشناخته و انبوهی از تلمیحات ادبی و تاریخی می‌یابیم. اشعار شولگی شیوه‌ی مهمی برای دسترسی به آن فرهنگ در اختیارمان قرار می‌دهند و آن دانش فرهنگی، به نوبه‌ی خود، ما را یاری می‌کند تا آن اشعار را بهتر بفهمیم.

خواندن اثری متعلق به زمان یا مکانی دور متضمن حرکتی دادوستدی میان شناخته‌شده‌ها و ناشناخته‌هاست. منظره‌ای از جهان، همیشه یک منظره از دیدگاه ایستگاه

مشاهده‌کننده است؛ ما به صورت اجتناب‌ناپذیری هر آنچه را می‌خوانیم از صافی آنچه در گذشته خوانده‌ایم، عبور می‌دهیم. اما، اگر توقعات پیشین خودمان را به صورت کامل بر اثر جدید قرار ندهیم، خصلت‌های ویژه آن اثر بر ما تأثیر خود را خواهند گذاشت و دامنه دید ما را گسترش خواهند داد و در نتیجه دید گاهی تازه به آنچه از پیش می‌دانستیم، به ما خواهند داد. ممکن است خواندن ادبیات جهان در گستره کاملش ترسناک به نظر برسد، اما این مشکل در مورد هر سنت ملی بزرگی وجود دارد. برای نمونه، در انگلستان قرن نوزدهم آن‌قدر رمان نوشته شده است که هیچ کس نمی‌تواند در طول عمرش همه آن‌ها را بخواند. به دیگر سخن، همیشه آثار بیشتری برای خواندن وجود دارد؛ ولی اگر از همان اولین آثاری که خوانده‌ایم به طرز موفقیت‌آمیزی با روش خواندن، حداقل به صورت ابتدایی، آشنا شده باشیم، می‌توانیم رو به جلو و به صورت افزایشی سایر آثار را نیز بخوانیم. خواندن آثاری فراسوی سنت محلی خودمان شامل نمونه‌ای برجسته از چالش «جزء و کل» یا چرخه هرمنوتیک است که ما در یک سنت مجزا نیز با آن مواجه می‌شویم. با این حال، باید از جایی آغاز کنیم و راه خودمان را به بیرون و به سمت دیدگاه وسیع‌تری بیابیم. اگر دانش عمیقی از دفو<sup>۱</sup>، فیلدینگ<sup>۲</sup>، جین آستن<sup>۳</sup>، والتر اسکات<sup>۴</sup>، ترولوپ<sup>۵</sup> و جرج الیوت<sup>۶</sup> داشته باشیم، بهتر خواهیم فهمید که دیکنز<sup>۷</sup> چه می‌کرده است و اگر بتوانیم دیکنز را به صورت تطبیقی در رابطه با دیدرو<sup>۸</sup>، هوگو<sup>۹</sup>، گوته<sup>۱۰</sup>، گوگول<sup>۱۱</sup> و داستایوسکی<sup>۱۲</sup> ببینیم، به طور طبیعی دانش ما وسیع‌تر خواهد شد. همچنین، خواندن کتاب‌هایی که امروزه در اطراف ما نوشته می‌شوند، درک ما از داستان‌های کلاسیک را شکل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، ما دیکنز را تا بخشی از منظرگاه‌ای. اس. بیات<sup>۱۳</sup>، پیتز کری<sup>۱۴</sup> و سایر رمان‌نویسان معاصر می‌خوانیم. آشنایی وسیع و عمیق با رمان‌های مختلف به صورت خارق‌العاده‌ای به ما یاری می‌رساند تا دیکنز را در انگلستان یا چین

1. Daniel Defoe (1660-1731)
2. Henry Fielding (1707-1754)
3. Jane Austen (1775-1817)
4. Walter Scott (1771-1832)
5. Anthony Trollope (1815-1882)
6. George Eliot (1819-1880)
7. Charles Dickens (1812-1870)
8. Denis Diderot (1713-1784)
9. Victor Hugo (1802-1885)
10. Johann Wolfgang von Goethe (1749-1832)
11. Nikolai Gogol (1809-1852)
12. Fyodor Dostoyevsky (1821-1881)
13. A. S. Byatt (b. 1936)
14. Peter Carey (b. 1943)

آچه<sup>۱</sup> نیجریایی یا یوکیمو میسیمای<sup>۲</sup> ژاپنی را بهتر درک کنیم؛ اما تا واقعاً نتوانیم از اولین زمانی که می‌خوانیم و سپس از دومین رمان و همین‌طور تا دهمین و صدمین سر در بیاوریم، هیچ وقت نمی‌توانیم به چنین شناختی برسیم. این روند هرمنوتیک (تفسیری) می‌تواند در کودکی و با کتاب‌هایی که در سنت محلی ما گردش می‌کنند و از جمله کتاب‌هایی که در فرهنگ ما به عنوان کالای وارداتی ریشه یافته‌اند، آغاز شود. *انجیل و هزار و یک شب* ممکن است از چنان زمان دور و درازی شناخته شده باشند که در حال حاضر دیگر خارجی بودن آن‌ها بسیار آسان به نظر برسد. اگر حالا شروع به خواندن در فراسوی مرزهای متون شناخته شده کنیم، شک و ضربه پدیده جدید را بی‌شک احساس می‌کنیم؛ اما می‌توانیم با بهره‌گیری از توانایی‌های کسب‌شده از نخستین خوانش خویش به آن پاسخ دهیم.

این کتاب گرد مجموعه مهارت‌هایی که باید کسب کنیم تا ادبیات را با فهم و لذت بخوانیم، سامان یافته است. ما باید از فرضیات ادبی مختلف که در فرهنگ‌های مختلف به وجود آمده‌اند، شامل فرضیاتی در مورد چیستی ادبیات، شیوه خلق و خوانش ادبیات و محیط و آثار اجتماعی آن آگاهی داشته باشیم. این موضوع فصل نخست کتاب است که مثال‌های آن عمدتاً از شعر غنایی آورده شده است. فصل دوم به موضوع خواندن در گذر زمان می‌پردازد و از سنت حماسی غربی به عنوان نمونه استفاده می‌کند: چگونه می‌توانیم با جهان‌بینی و شیوه‌های خاص اثری قدیمی کنار بیاییم؟ و چگونه زندگی دوم اثر را در بطن سنت‌های بعد از آن که اثر به شکل‌گیری آن‌ها یاری رسانده، ارزیابی کنیم؟ در فصل سوم، بر اساس دو فصل پیشین، با اشاره به نمونه‌هایی از نمایش‌نامه به چالش خواندن فراسوی فرهنگ‌ها پرداخته می‌شود. فصل چهارم به چالش‌های جالبی اختصاص می‌یابد که هنگام خواندن آثار ترجمه‌شده - همان‌طور که خوانندگان ادبیات جهان باید اغلب این کار را انجام بدهند - ظاهر می‌شوند. در این فصل، به این بحث خواهیم پرداخت که بایستی ترجمه‌ها را با نوعی آگاهی انتقادی از انتخاب‌ها و غرض‌های مترجم، حتی اگر هیچ دانش بی‌واسطه‌ای از زبان اصلی متن نداریم، بخوانیم و چنین خوانش انتقادی به ما یاری خواهد رساند تا از تجربه خواندن بیشترین بهره را ببریم و حتی گاهی اوقات راه‌های بهبودی اثر به سبب ترجمه را کشف کنیم.

اگر فصل‌های آغازین بر راه‌های دسترسی ما به جهان متن خارجی تمرکز می‌کنند، فصل‌های پنجم و ششم در مورد راه‌هایی که خود نویسندگان می‌توانند از طریق آن‌ها به

1. Chinua Achebe (1930-2013)  
2. Yukio Mishima (1925-1970)



فراسوی فرهنگ خودشان برسند، بحث می‌کنند. فصل پنجم به آثاری می‌پردازد که در یک فضای خارجی قرار گرفته‌اند؛ در حالی که فصل ششم، شیوه‌های نوشتن در دنیای در حال جهانی شدن امروز را واکاوی می‌کند. در پایان، واپسین سخن کتاب، راه‌هایی را که خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند در مطالعه و خواندن ادبیات جهان از متن‌های اصلی تا خوانش‌های انتقادی، مطالعه زبان و سپری کردن زمان در خارج کشور خودشان پیش ببرند، ترسیم می‌کند.

این کتاب را می‌توان به تنهایی یا به عنوان منبعی درسی برای کلاس‌های مقدماتی ادبیات مطالعه کرد. تمرکز کتاب در فصل‌های آغازین در مورد ژانرها یا گونه‌های ادبی می‌تواند با برنامه درسی کلاس‌هایی که بر یک ژانر خاص تمرکز دارند، تلفیق گردد؛ با این حال، مسائلی که در هر فصل مطرح شده‌اند، می‌توانند به نوبه خود در بررسی آثاری که به هر ژانری نوشته شده‌اند، مورد استفاده قرار گیرند. همچنین، بحث کل کتاب از دوران باستان تا عصر مدرن را دربرمی‌گیرد و پیشرفت بسیاری از کلاس‌های درسی را بازتاب می‌دهد؛ اما من اغلب مطالب قدیمی و جدید را در مقابل هم قرار داده‌ام؛ ارائه گاه‌شمارانه تنها یک شیوه برای آماده‌سازی کلاس یا برنامه مطالعاتی است. به منظور کنترل حجم کتاب، بیشتر آثار را به صورت کوتاه و معمولاً در رابطه ضمنی با مجموعه‌های عظیم پژوهشی که در گرد بسیاری از این آثار پدید آمده‌اند، مورد بحث قرار داده‌ام. مباحث این کتاب به هیچ وجه خوانش‌های جامعی نیستند؛ ولی به عنوان نمونه‌هایی از مسائل کلی و دروازه‌هایی به مطالعه گسترده این آثار و آثار مشابه ارائه شده‌اند.

این کتاب می‌کوشد بخشی از گوناگونی خارق‌العاده ادبیات جهان را به تصویر بکشد؛ بنابراین، بحث‌هایی در مورد طیف گسترده‌ای از نویسندگان شامل هومر و سوفوکل<sup>۱</sup> در یونان باستان، کالیداس<sup>۲</sup> در هندوستان قرون وسطا، موراساکی شیکیبو<sup>۳</sup> از ژاپن دوره هیان<sup>۴</sup> و رمان‌نویس ترک اورهان پاموک<sup>۵</sup>، برنده جایزه ادبیات در سال ۲۰۰۶ را دربرمی‌گیرد. با وجود این، سعی کرده‌ام با وسوسه انبار کردن مثال روی مثال مبارزه کنم. در هر فصل سه یا چهار اثر کلیدی در مرکز بحث قرار دارند و فقط اشاره‌هایی کوتاه‌تر به چند اثر دیگر می‌شود. مثال‌های داده شده به منظور تأکید بر چالش‌های مطرح‌شده و برای پیشنهاد ترفندهای عمده‌ای که

---

1. Sophocles (468-406 BC)  
 2. Kalidasa  
 3. Murasaki Shikibu (978-1031)  
 4. Heian Period (794-1185)  
 5. Orhan Pamuk (b. 1952)

نویسندگان آن را به کار برده‌اند و قابل استفاده برای خوانندگان امروز هستند، ارائه شده‌اند. کتاب حاضر بسیاری از متونی را که در کلاس‌های ادبیات جهان همه‌پذیر شده‌اند، از حماسه گیل‌گمش<sup>۱</sup> تا کاندید<sup>۲</sup>، از ولتر<sup>۳</sup> تا اومروس<sup>۴</sup> اثر والکوت<sup>۵</sup> را بررسی می‌کند. با وجود این، من به بررسی آثار کمترشناخته‌شده به منظور یافتن مثال‌های مناسب برای نکته‌های ارائه‌شده و همچنین برای به معرض نمایش گذاشتن نویسندگانی که من به شخصه آن‌ها را جذاب می‌دانم و می‌خواهم افراد بیشتری آن‌ها را بخوانند، می‌پردازم. فهمیدن این که می‌توانیم با بررسی مسائل کلی که در خلال تعداد مناسبی از آثار ارائه شده‌اند، اولین قدم اساسی را در شناخت ادبیات جهان برداریم، می‌تواند خیلی دلگرم‌کننده باشد؛ همچنین دانستن این که از این نقطه به بعد گستره عظیمی از امکانات پیش روی ما باز می‌شود، مسرت‌بخش است. جویس<sup>۶</sup> در رستاخیز فینیگان<sup>۷</sup> جمله‌ای دارد که شاید جهانی‌ترین متن نوشته شده باشد که یک نظم آرمانی را به وسیله «یک بی‌خوابی آرمانی» مجسم می‌کند. شاید تعریف بهتری برای ادبیات جهان از «کیهان در حال گسترشی از آثاری که ما را مجبور می‌کنند تا به خواننده آرمانی تبدیل شویم و رؤیای آن بی‌خوابی آرمانی را ببینیم» وجود نداشته باشد.

- 
1. *The Epic of Gilgamesh*
  2. *Candide, ou l'Optimisme* (1759)
  3. Voltaire (1694-1778)
  4. *Omeros* (1990)
  5. Derek Walcott (b. 1930)
  6. James Joyce (1882-1941)
  7. *Finnegans Wake* (1939)